



د یادو ناحه مقدسه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همزمان با عاشورای حسینی سال ۱۴۴۳ هجری قمری ، زیارت ناحیه مقدسه با دستخط منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام از سوی انتشارات قرآنیوم بازآفرینی و منتشر شد . پیش از این دستخط حضرت امام حسن عسکری علیه السلام پدر بزرگوار حضرت ولی عصر (عج) با همکاری کتابخانه حرم حضرت معصومه سلام الله علیها توسط انتشارات قرآنیوم از روی قرآن شماره ۱۲۰۴ استخراج و احیا شده بود

زیارت ناحیه مقدسه از زیارتنامه‌های امام حسین(ع) که در روز عاشورا و غیر آن خوانده می‌شود. دو زیارت به این نام وجود دارد که یکی زیارت ناحیه مشهور است و دیگری زیارت الشهداء نام دارد و در آن نام یاران امام و قاتلان آنها آمده است.

زیارت مشهور، با سلام بر پیامبران الهی و ائمه اطهار(ع) آغاز می‌شود و سپس با سلام بر امام حسین(ع) و یاران ایشان ادامه می‌یابد. پس از آن، به شرحی از اوصاف و کردار امام، زمینه‌های قیام، شرح شهادت و مصائب ایشان و عزادار شدن تمام عالم و موجودات زمینی و آسمانی می‌پردازد. این زیارت با توسل به ائمه و دعا به درگاه خداوند پایان می‌یابد.

در انتساب این دو زیارت به امام زمان(عج) نظرات مختلفی وجود دارد.

## **علت نام گذاری**

ناحیه مقدسه اصطلاحی است که شیعیان، از زمان امام هادی (ع) تا پایان غیبت صغری برای اشاره به امام معصوم (ع) استفاده می‌کردند. چون این زیارت توسط یکی از نایبان خاص امام زمان (عج) نقل شده است زیارت ناحیه مقدسه نامیده می‌شود.

## **زیارت ناحیه مشهور و غیر مشهور**

در میان زیارتنامه‌های امام حسین(ع)، دو زیارت منسوب به ناحیه مقدسه است:

۱. زیارت مشهور، که توسط یکی از نائبان خاص امام زمان (عج) به دست ما رسیده است. این زیارت در منابع زیر آمده است: شیخ مفید (مزار، مخطوط)، المزار الكبير، بحار الانوار، کتاب الدعاء و الزیارة، رمز المصیبه، الصحیفه الهادیه، الصحیفه المهدویه، کلمه الامام المهدي عليه السلام.

۲. زیارت دیگر که به زیارت الشهدا معروف است زیارتی است که توسط شیخ محمد بن غالب اصفهانی در سال ۲۵۲ق به دست ابو منصور بن عبدالمنعم بن نعمان بغدادی رسیده است و در آن اسامی هشتاد نفر از یاران امام حسین (ع) و نام قاتلان نشان آمده است. این زیارتنامه با توجه به تاریخ صدورش مربوط به امام هادی(ع) (شهادت ۲۵۴) یا امام حسن عسکری(ع) است و در آن تاریخ امام مهدی(عج) به دنیا نیامده بود، مگر اینکه در نقل تاریخ صدور روایت تصحیف صورت گرفته باشد. [نیازمند منبع] متن این زیارت در کتابهای: اقبال الاعمال، بحار الانوار، عوالم، ناسخ التواریخ، کتاب الدعاء و الزیارة، رمز المصیبه، انصار الحسین آمده است.

### **متن و محتوای زیارت ناحیه مشهور**

زیارت ناحیه مقدسه با درود بر پیامبران و اهل بیت، امام حسین(ع) و یارانش در کربلا آغاز می‌شود: «السلام علی آدم صفوهُ اللّٰه من خلیفته...» پس از آن، به شرح اوصاف و کردار امام حسین پیش از جنگ، زمین‌های جنگ او، شرح کشته شدن و سختی‌های او و یارانش، و عزادار شدن تمام عالم و موجودات زمینی و آسمانی می‌پردازد. در پایان، با توسل به اهل بیت و دعا پایان می‌پذیرد.

## سلام

در ابتدای این زیارت نام ۲۲ تن از انبیای الهی ذکر شده و پس از آن بر تکتک اصحاب کساء با ذکر برخی از خصوصیاتشان سلام داده شده است. در این زیارت سلام بر امام حسین(ع) گاهی با ذکر نام و فضائل و عملکرد ایشان و گاهی بر اعضا و جوارح با بیان مصیبت وارده بر آنها آمده است.

در بخش بعد به یاران و همراهان امام سلام داده می‌شود.

### اشاره به جایگاه دینی و اجتماعی امام

در بخش بعد اوصافی از امام حسین و جایگاه او بیان شده و به بخشی از علت‌های قیام عاشورا اشاره می‌شود: «علم به شرایط موجود تو را واداشت تا پرچم مخالفت برداشته و با مخالفان کارزار کنی، با فرزندان و خاندان و پیروان و دوستان به راه افتادی و با حکمت و پند و اندرزهای نیکو به سوی خداوند خواندی، و به بر پا داشتن حدود و فرمانبری از معبود امر نمودی و از پلیدی و سرکشی بازداشتی و با ظلم و ستم مقابله کردی».

### توصیف واقعه عاشورا

در این قسمت در توضیح برخی از حوادث روز عاشورا چنین آمده است:

پس از آنکه آنان را از کار خود بازداشتی و حجت و دلیل تأکید نمودی؛ بیعتت را شکستند و بر پروردگار و جدّت خشم گرفته و با تو جنگیدند. و آن شخص ملعون به لشکریانش دستور داد تو را از آب و وارد شدن به آن بازدارند... تیرها و سنگها را به سوی تو

پرتاب کردند و دست‌های جنایتکارشان را برای نابودی‌ات گشودند... از هر سو تو را محاصره کردند و زخم‌های عمیق بر تو وارد ساختند... تا اینکه از اسب مجروح بر زمین افتادی، اسبها با سمهایشان بر تو تازیدند و ستمگران شمشیرهای بُرانشان را بر تو فرود آوردند... وَ الشَّمْرُ جَالِسٌ عَلَى مَدْرِكٍ، وَ مَوْلَعٌ سَيْفُهُ عَلَى نَحْرِكَ، قَابِضٌ عَلَى شَيْبِكَ بِيَدِهِ، ذَابِحٌ لَكَ بِمُهْنَدِهِ: در حالی که شمر بر روی سینه‌ات نشسته و شمشیرش را بر گودی زیر گلوی تو فرو برده و محاسنت را با دستش گرفته بود، سرت را با شمشیر خود برید!

### توصیف مصیبت بعد از عاشورا

این بخش زیارت به حوادث پس از شهادت امام حسین (ع) می‌پردازد: «سرت بر فراز نیزه قرار داشت و خانواده‌ات همچون بندگان اسیر و در غل و زنجیر قرار گرفتند. چهره‌شان از گرما می‌سوخت و در بیابان‌ها و دشت‌های پهناور پیش برده می‌شدند، دستهایشان به گردن آویخته و در بازارها آنان را می‌گرداندند».

امام زمان (عج) این ضایعه را مساوی با کشتن اسلام و... بیان می‌فرماید: «وای بر سرکشان گنهکار! به کشتن اسلام را کشتند و نماز و روزه را بیهوده و مهمل گذاشتند. سنت‌ها و احکام را شکستند و پایه‌های ایمان را نابود کردند. آیات قرآن را تحریف و در فساد و دشمنی سخت تلاش نمودند... کتاب خدا رها شد و به حق خیانت گردید». «با رفتن تو، الله اکبر، لا اله الا الله، حرام و حلال، تنزیل و تأویل از میان رفت. پس از تو تغییر، تبدیل، بی‌دینی، کفر، خواهش‌های نفسانی، گمراهی‌ها، آشوبها، بیهودگی‌ها و باطلها آشکار شد».

## بازتاب این مصیبت در هستی

عظمت این مصیبت به نحوی است که سرتاسر هستی، عزادار و به ماتم و سوز و گریه نشستند: «پیامبر آشفته‌خاطر شد و دلش گریست و به خاطر تو فرشتگان و پیامبران به او تسلیت گفتند و به خاطر تو مادرت زهرا سوگوار و مصیبت‌زده شد. فرشتگان مقرب برای سوگواری و تسلیت گفتن به پدرت امیر مؤمنان نزد او می‌رفتند و برایت در اعلی‌علیین مجلس عزا و ماتم بر پا شد... آسمان و ساکنانش، بهشت و خزانه‌دارانش، و کوه‌های گسترده بر روی زمین و کرانه‌هایش، و دریاها و ماهیان‌ش، و جنیان و فرزندان‌شان و خانه خدا و مقام ابراهیم و مشعر الحرام و حل و حرم برای تو گریستند».

## بخش پایانی و دعا

بخش پایانی این زیارت به استغفار و دعا برای زائر و سایر مؤمنین اختصاص داشته و با نماز زیارت به پایان می‌رسد.

علامه مجلسی رحمه الله می‌فرماید: نویسنده کتاب «المزار الکبیر» می‌گوید: زیارت دیگری برای امام حسین علیه السلام در روز عاشورا هست که از ناحیه مقدّسه امام زمان ارواحنا فداه به یکی از نواب خویش صادر شده: نزد قبر آن حضرت می‌ایستی و می‌گویی: **اَلسَّلَامُ عَلٰی اَدَمَ صِفْوَةَ اللّٰهِ مِنْ خَلِیْقَتِهِ**، و زیارت را مانند آنچه نقل شد ادامه می‌دهد.

بدین سان روشن می‌شود که این زیارت به راستی از حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت شده است. البته احتمال دارد که این زیارت به روز عاشورا اختصاص نداشته باشد؛ چنان که سید مرتضی اعلی‌الله مقامه نیز همین اعتقاد را داشته است.



آیه الله سیّد احمد مستنبط رحمه الله نیز می نویسد: روایت زیارت ناحیه مقدّسه دلالتی ندارد که خواندن آن ، به روز عاشورا اختصاص داشته باشد

علّامه مجلسی رحمه الله در «بحار الأنوار» می گوید: شیخ مفید رحمه الله روایت کرده است: هر گاه خواستی امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا زیارت کنی ، نزد آن حضرت بایست، و بگو

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيَّ أَكْرَمَ كَفْوَةٍ اللَّهِ مِنْ حَلِيقَةِ السَّلَامِ عَلَيَّ سُبْحَانَ اللَّهِ وَحْدَهُ  
السَّلَامُ عَلَيَّ أَكْرَمَ دِينِ الْعَالَمِ لَهُ عِصْمَةُ السَّلَامِ عَلَيَّ بَوَاحِ الْمَنَادِ فِي دَعْوَةِ السَّلَامِ  
عَلَيَّ هُوَ الْمَدْفُودُ مِنَ اللَّهِ مَعُونَةُ السَّلَامِ عَلَيَّ كَالْحَيِّ الْكَدِّ بَوَاحِ اللَّهِ

كروامه السلام على ارواحهم الذي حياه الله عليه السلام على اسماعيل  
الذي فداه الله بكنع عكهم من حسه السلام على اسماو الذي حل الله  
النوره في كونه السلام على شعوب الذي فد الله عليه نوره بوحمة  
السلام على يوسف الذي حاه الله من الحب سكرمه السلام على موسى الذي  
طو الله النور له بعدونه السلام على هادون الذي حكه الله نوره السلام على  
سعد الذي نوره الله على امه السلام على كافك الذي ناد الله عليه  
من حكسه السلام على سليمان الذي كلف له الحز نوره السلام على ابود

الذي سواه الله من خلقه السلام على يوسف الذي احب الله له مكمون حبه  
السلام على حور الذي احياه الله بعد مسه السلام على ذكوانا الكار في  
مسه السلام على علي الذي اولفه الله سهادته السلام على عسي ووح الله  
وكامه السلام على محمد حسب الله وكفونه السلام على امير المؤمنين علي  
بن ابي طالب المصطفى باحونه السلام على فاطمه الزهراء اسه السلام  
على ابي محمد الحسن وكي اسه وخلقته السلام على الحسن الذي سمى  
بعنه بعنه السلام على من اطلق الله في سوره وخلقته السلام على من حل الله

السفا في بونه السلام على من الاحله حـ فيه السلام على من الامه من كونه  
السلام على ان حام المسال السلام على ان سد الافكنا السلام على ان  
فاكفه الهموما السلام على ان حده الكوى السلام على ان سده  
المسهي السلام على ان حبه الماوى السلام على ان دموم والكفا السلام على  
المومل بالكما السلام على المصوكا الحنا السلام على حامس اصحاب امر  
الكسا السلام على حوب العونا السلام على سهد السهدا السلام على قسر  
الادعنا السلام على ساكر كوكب السلام على من بكنه ملكه السما السلام على

من كونه الأوكيا السلام على سواد الدين السلام على منادى التواضع  
السلام على الأمه السادات السلام على الخوف المصوحات السلام  
على السقاء الدالات السلام على النفوس المكلمات السلام على  
الأدواح المملسات السلام على الأحقاد العاديات السلام على الحسوم  
الساحيات السلام على الدماء السالات السلام على الأعصا المكلمات  
السلام على الرؤوس المسالات السلام على السوء الناديات السلام على  
جهنم العالمين السلام على وعلى تلك الكاهن السلام على وعلى

الملك المسعودي السلام عليك وعلى دولته الناصريين السلام عليك وعلى  
الملكه المطاهر السلام عليك على القبر المطووم السلام عليك على ساحه  
المعروف السلام عليك على الكبر السلام عليك على الركن الكبر السلام عليك  
المدار السلبه السلام عليك على السره العربه العربيه السلام عليك على الهدى في  
الطوام السلام عليك على الناحي عن الاوطان السلام عليك على المدفونين في  
اكفار السلام عليك على الرفوس المعرفه عن الامداد السلام عليك على المسد  
الصار السلام عليك على المطووم في ناصري السلام عليك على ساكني الدوله الراكبه

السلام على صاحب الفقه الساميه السلام على من ظهره الخليل السلام على من  
افترقه حويل السلام على من باعاه في العهد منكم السلام على من يكسب  
دمه السلام على من عكس حرمته السلام على من اذيو بالكلم دمه السلام  
على المسر دم الخواص السلام على العروق بكاسات الرماح السلام على  
المكاه المسباح السلام على الصود في الودع السلام على من دفعه اهل  
العوى السلام على المعكوع الوتر السلام على العمامي لا مسر السلام على  
السب الحسب السلام على احد الوتر السلام على النحر السلب

السلام على النبي المصطفى بالقبول والسلام على الواسع المرفوع والسلام  
على الأقسام العاقبة في الطوائف بهما الكتاب العاقبات وحلف  
الها الساج الكائنات السلام على نبي مولاة وعلى الملكة المرفوعة  
حول مكة الحامض نبيك الكليم نبيك الواسع نبيك السلام  
على نبي فخر نبيك ودعوتك الفود نبيك السلام على نبي  
العاقبة حرمك الهامض في ولايتك المصنوع إلى الله نبيك الذي من  
أعدائك سلام من قلبه منك معروفه ودمه عند ذكره مسعود



سَلَامُ الْمَوْجِ الْحَرِيِّ الْوَالِهِ الْمَسْكُونِ سَلَامٌ مِنْ لَوْ كَانَ مِنْكَ بِالْكَفْوْفِ  
لَوْ فَاتَ بِنَفْسِهِ حُدَّ السُّوْفِ وَبَدَلَ حَسَابَهُ دُونَكَ لِلْمَوْفِ وَحَامِدٌ بِنِ بَدَلِ  
فِي صِرَاةٍ عِيَا مِنْ سِيِّ عِلْمِكَ وَفَدَاكَ بِرُوحِهِ وَحَسْبُهُ وَمَالُهُ وَوَلَدُهُ وَوَدُوعُهُ  
لِرُوحِكَ فِدَا وَوَالِدُهُ لِأَهْلِكَ وَمَا ظَنِرَ أَحَرِيْبُ الدَّهْوِدِ وَحَافِي عِرَ بَصْرَا  
الْمَقْدُوْدِ وَلَمْ يَكُنْ لَمْ حَادِيكَ مَهَادِيًا وَلَمْ يَكُنْ لَكَ الْبَدَاوَهُ مَبَاكِيَا  
فَلَيْدِيكَ كِتَابًا وَمَا وَلَيْدِيكَ لَكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ كَمَا حَسْرَهُ عِلْمِكَ فَبَايَعَا  
عِيَا مَا كَدَمَاكَ وَبَلَّغَا عِيَا أُمُودَ بِلُوحِهِ الْمَكَاتِبِ وَعَدَّهُ الْأَكْسِيَادِ

اسمك في اسم الكلب واسم الركب وامرود بالمرور  
وهي عن المير والديوان واكتب الله وما عصبه ونسبته به  
وعنه فادعته وحسنه ودافعه واسميه وسب السرا واكفاد الفير  
ودعوت الي الرقاد واوصف سب السداد وحامد في الله حو  
الحماك وكب له كالبنا ولجدا محمد كيا الله عنه والله ناسا ولفوا  
اسمك سامعا والي وكبته احب مسادا ولبعا الدر واما واللكسار فاما  
واللكباء مفادا والامه ناكبا وفي حمرات الموت ساجا واللعابا مكابا وبع

الله فاما ولاسلام والمسلمين واحموا واليو باكلوا وخذ الله كلوا ولدن  
كلنا وعن حروفه مرامنا حوك الهدى فسوره وسك العدا فسوره  
فسور الدين فسوره فسوف العاد فبرحوه فباحد الذي من السوف  
وساوي في الحكم بن القوي والكسوف كيد وسع الأنام وعكفه  
الانام وعد الأسماء ومعدن الأحكام وحلف الأسماء سالكا كرايو  
حدا واسك مسما في الوكته لأحد وفي الدمم وكى السم طاهر  
الكرم مهديا في الكلم قوم الكرايو كرم الخلو كلم

السواوي سرف السد مسف الحسد دفع الرب كبر المنام  
مهور الكرام حول المواهب علم وسد مسد حواد علم  
سدك امام سيد افاه مسد حسب مهيب كتب للرسول كيا الله عليه  
واله ولدا والفرار سدا ولأمة عدا وفي الكاهه مسدا حافكا  
للهد والسيار ناكنا عن سر الفسار و ناكلا للمهور طول الركوع  
والسود داهدا في الدنيا همد الواجر عها ناطرا لها سر  
المسوحس منا امانك عها مكروه وهمك عن دسها مكروه

والحائط على ربهما مكرهه ودعس في الآخرة معروفه على ادا  
الحوود مدناعه واسفر الكلم فاعه وكذا التي ابتاعه وان في  
حرم حدك فاطر ولكالمر منار حنن الس والهرات مسورا على  
الذات والسوات بكر المنكر بطنك ولسانك على حسب طافك و  
امكانك م افصا العالم لأكاد ولومك ان طاهد القاد مسود في  
اولادك وامالك وسسك وموالتك وكذب بالجو والسبه  
ودعوت الى الله بالحكمه والموعظه الحسنه وامرد باقامه

الحدود والكاهن المسود وهيب عن الخباب والكسار وواحوك  
بالكلم والحدودان فاهديهم سد الأساكة لهم فباكد الخه عليهم فكبوا  
دماكة فسك وسكوا ديك وحدك فدووك بالحدود فسك للكل  
والحدود وكلم حدود القناد وافهم فسك الساد هالدا بدى  
القناد كاك على القناد فما داوك باب الحاس عن حاف ولا حاس  
كبوا لك حواك مكرهم وفالوك بكدهم وسرهم وامر اللين حدوده  
مسيوك اما وودوده فباحدوك القنال وخالوك التوال ووسعوك

بالسحاب والنسار وسكوا السكك اكلوا الاكل ولم يرحوا الى كماما  
ولا دافوا في اناما في فلهم اولياك فيهمم وحالك وابت مقدم في  
الصوات وعمل الادباب فد عت من كرك ملكه السماوات  
فاحدقوا في من كل الجهات واليهوك بالخراب وحالوا في  
الرفاح ولم يبولوا في نادر وابت عت كرك كرك عر سوك  
واولادك عر كسوك عر حوادك هوب الى الاوصر حرك  
كوك الخور حوامها وسلوك الكناه بوارها فد ربح للمود

حسے واحلف بالانصار والاساکے سماکے و مسکے بدر طرفا حفا  
الی دخلکے مسکے وفد سیکے سےکے عن ولدکے و امالکے واسو حے فرسکے  
سادکے الی حمامکے فاکدکے عیما ناکنا ظما وار الساک حوادکے ہونا  
و کور سوحکے علیہ ملونا برون من الحدود باسمات السور علی  
الحدود لاکامات الو حوه سافرات و بالتیون کاعبات و سد السور  
مدلاد و الی مکورکے مادوات و السور حالس علی کدوکے و مولع  
سفه علی حوکے فاکر علی سسکے سدہ دلایع لکے مہندہ و د سکت



حواشي وحققنا حواشي ودمع على الفناء واسكني وسر اهلتي كالسند  
وكفروا في الحديث فوجوا افعال المكاتب يلغى وحوهم حر  
الاحزاب سافور في الدماء والطوائف اذهم مطوله الى  
الاحزاب بكاف هم في الاسواق والور للقاء الصاوي بعد فلوا بعلتي  
الاسلم وعلوا الكله والقيام فمكوا السر والاحكام  
فهدموا فواعد الامار وحمفوا اناك الفرار فمهلوا في السبي  
والسدوار بعد اصبح وسور الله كيا الله عليه واله موبودا وحاد

كتاب الله عز وجل مهيودا وعهودا الحواما هرب مهيودا وفهد  
بفهدا النكور والهلل والبروم والليل والسير والناور وكهر سدا  
السر والسدر والأحاد والسكر والأهوا والأكلل والفر  
والأناكل فقام بأحد من حدك الرسول كيا الله عليه وآله فسأ  
الله بالدع الهكوا فالأنا رسول الله من سكله وفماك واسيع أهلل  
وحماك وسب سدا دواك وفوم الهدود سرك وفوك فروع  
الرسول فكي فله الهوا وحراه كالألكه والأسا وسك كأمك

الوهوا واحلف حود الملكة المعوية سوى اناك امر المومنين  
واقرب لك الامم في العلم عظيم ولكم على الخود العزير فكتب  
السما وسكاتها والخبان وحرابها والهكاد وامكادها واليهاد وحسبها  
والخبان وولداتها والسب والمقام والمسور الحرام والحر  
والاحرام اللهم فبرمه هذا المكار السيف كل على محمد وآل محمد  
واحسوي في ذمورهم وادخل الجنة سفاعهم اللهم اي ابوس اليك يا  
اسوي الحاسن ويا اكرم الاكرم ويا احكم الحاكمين محمد حام

السيد رسولك الى العالمين احمد بن فاحه وارحمه الله  
العالم المكن على امر المؤمنين وبما كلفه سده سا العالمين والحمد لله  
عنه المصطفى والى عبد الله الحسن اكرم المسجدين وابوالأده المقبولين  
وسوره المكلومين وسلي بن الحسن بن النادر ويحمد بن علي بن ابي طالب  
ويحمد بن محمد بن ابي بكر بن محمد بن علي بن محمد بن علي بن  
بن موسى بن ابي بكر بن علي بن فداء المهدي بن علي بن محمد بن احمد  
الواهد بن والحسن بن علي بن ابي طالب بن احمد بن

أرسلني علي محمد وال محمد الصادق من الأئمة في كل وقت وأرسلني في  
القيامه من الأمر العظيم القلوب الفرح المسجون اللهم اكسني في  
المسلمين والحق بالخالق وأحلي لي لسان صدق في الأحرار وأكسني في  
الناظر وأكسني كيد الخاسرين وأكسني في مكر الفاكدين وأكسني  
في أداء الكلام وأجمع بيني وبين السادة المنانين في أعلى عليين مع الذين  
أحببت عليهم من النبي والصديق والسهدا والخالق بوحمة يا  
أرحم الراحمين اللهم إني أوصي عليك بسنة المسكوك وعلمك



واعوذ لي حكيم واكليم في دودي اللهم لأدعي لي في هذا المسعد  
المسكوم والهن المكور دينا الأ عفره ولا عينا الأ سوربه ولا عما الأ  
كسفه ولا دوما الأ سكه ولا حاما الأ حموره ولا فادا الأ اكلمه ولا  
امه الأ لبسه ولا دعا الأ احسه ولا مكيفا الأ فرجه ولا سمل الأ حمسه  
ولا امرا الأ اممه ولا مالا الأ كبره ولا حلقا الأ حسبه ولا انفاقا الأ  
الطفه ولا حالا الأ حموره ولا حوذا الأ ومسه ولا عدوا الأ  
اوديه ولا سرا الأ كفه ولا موكا الأ سفه ولا سدا الأ اكسه ولا

سُبْحَانَكَ يَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ أَيُّ أَسْأَلُكَ حُرِّ النَّارِ  
وَبُورِ الْأَحْطِ اللَّهُمَّ أَيُّ أَسْأَلُكَ عَنِ الْحَرَامِ وَبُورِ حَرِّ جَمْعِ  
الْأَنْبَاءِ اللَّهُمَّ أَيُّ أَسْأَلُكَ عِلْمًا بِنَفْسِي وَطَبَا حَاسِبًا وَبِعِلْمِ سَائِمًا وَحَمَلًا وَكَلِمًا  
وَكَلِمًا حَمَلًا وَبِحُرِّ حُرِّ اللَّهُمَّ أَدْوِي سَكْرَتِي عَلَى وَدَدِي  
أَحْسَبُكَ وَكُرْمِي عَلَى وَاحِدٍ فَوَلِي فِي النَّاسِ مَسْمُوعًا وَحَمَلِي عِنْدَكَ  
مَرْفُوعًا وَبَارِي فِي الْحَرَامِ مَسْمُوعًا وَحَدِي مَعْمُوعًا اللَّهُمَّ كُلِّ عِلْمٍ  
عَمْدٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ فِي أَمَّا اللَّيْلِ وَالطُّرُقِ وَالنَّهَارِ وَالْكَوْنِ سُبْحَانَكَ



الأسود وكهري من الذوب والأوداد واحوي من الناد واحي  
داد الفراء واحوي في ولجم احوي في واحوي المومين  
والهومات روحم في نا ادم الاحمر

سپس رو به قبله کن و دو رکعت نماز به جای آور؛ در رکعت اول بعد از حمد ، سوره «انبياء»، و در رکعت دوّم بعد از حمد، سوره  
«حشر» را بخوان، و در قنوت بگو

لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم لا اله الا  
الله ذو السموات السبع والارض السبع وما هنر وما هنر حلافا

لأعدائه فكذبنا لم عدل به و أمر أداما لربوبه و حصى عالونه الأول  
سور أول والأحر إلى عدو أحر الكافر على كل سي بعدونه الناطق دون  
كل سي سامه ولكفه لنهف العول على كنه حكمه ولأندوك الأوهام  
حقيقه ما منه ولأبصود الأنفس معاني كنهه مكلنا على الصغار عادوا بالسراير  
سلم حليه الأحر وما عفي الصدود اللهم أي أسهدك على بصدقي  
وسولك على الله عليه وآله وآماني به وحامي مولاه وأي أسهدك الله إلى  
الذي بكف الحكمة بفضله وسود الأسا به ودعب إلى الأفراد

ما حابه وحسب على بصديقه بقوله تعالى الذي حدوده مكبونا عندهم في  
اليهوديه والاعمال ناموهم بالمعروف وينههم عن المنكر وكل لهم الكتاب  
وحرّم عليهم الحيات ونصع عنهم اكلهم والاعمال الي كتاب عليهم  
فكل على عهد رسولك الي النظر وسد الاسيا المنكفر وعلى احبه  
وان عمه اللذين لم سوكانك طوفه عن ادسا وعلى فاطمه الزهراء  
سده سا العالمين وعلى سدى ساد اهل الجنة الحسن والحسين كلاه حالده  
الدوام عدد فكل الزهراء ووده الحيات والاكام ما اودو السلام

واحلف الصا والكلام وحيا اله الكاهن الامه  
المهدى الصادق ع الدين علي وعهد وحبر وموسي وحلي وعهد وحلي  
والحس والجه العوام بالفضل وسلاه اسكن الله ابي اسالك حي هذا  
الامام روحا قويا وذكورا حملا وذكورا عربا وحيا ع الخلو وسنا  
في الهدى والوفى لما ع فوكي وودوا واسا حلا طينا مونا  
داوا ساا فاكل مقل كنا كنا من عوك ولا كد ولا مه من احد  
وحافه من كل لا وسعم وموكر والسكر عي القافه والسما وادا حا

المود فافصيا على احسن ما يكون لك طاعه على ما امرنا بها فكن على  
بودنا الى حياك اللهم برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم كل على  
محمد وال محمد وارضى من الدنيا وارضى بالآخرة فله لأبو حسن من الدنيا  
الآخرة ولا يؤمن بالآخرة إلا وحده اللهم لك العاقبة لا تخلف و  
لك المسكين لا منك فكل على محمد وآله وآل على يحيى الكالمه  
الناكسه وسهوى العالمه واحمد لي بالناكسه اللهم ان اسعادي اناك وانا  
مكر على ما نهي فله حيا وبركي الاسعادي مع علمي سهه حاكمك بسبع حيو

الوحا اللهم انك قوي بوسني ان ادحوك وارحمي سهه وحملي مني  
ان احساك من علي محمد وال محمد وكنو وحلي لى وكند  
حوي منى وكري عد احس كل لى ناكرم الاكرم من اللهم كل  
علي محمد وال محمد وكنو بالكنه وكنو لسان بالحكمه واحلي من  
بكم علي ما كنه في امه ولاس حكه في يومه ولاهم لودو عدده اللهم  
ان اللى من اسبي لى وامير اللى والفعد من اسبي حلفى عدى كل علي  
محمد وال محمد واحلي من حلفى لى واحلي من لاسك كفا الالى

اللهم ان السعي من فكل وامامه النبوه ووداه الرحمه وان كتب  
كتب العمل فاي في وحمك فوء الامل هي لي كتب علمي لغوه امل  
اللهم ان كتب سلام ان ما في عبادك من هو ابي طناني واعدكم في دنيا  
فان اعلم انه لا مولي اعلم منك طولاً واطول وحمه دعوا فامر  
هو اوجد في وحمه اعد لم ليس باوجد في حكيه اللهم انك امرنا  
فكنا فهدى وما انبنا وذكور فناسنا فبكره فسامنا وحدث  
فصدنا وما كان ذلك حوا احسك لنا وان اعلم ما اعلمنا

واحسبا واحمر ما نبي وما اسما فكر علي محمد وال محمد ولا يواحدنا  
ما احكنا وسنا وهب لنا حقوقنا لدينا وام احسنك لنا واسر  
وحممك علينا اللهم انا نبوس اليك بهذا الصديق الامام وسالكنا بالحق  
الذي جعله له ولجده وسواك ولا يوهه علي وفاطمة اهل بيت الرحمه  
ادوات الردو الذي به فوام حبنا وكلح احوال عبالنا فاب  
الكرم الذي سكي من سهه وبيع من فدهه وخر سالك من الردو ما يكون  
كلها للدينا ولما لا احره اللهم كل علي محمد وال محمد واحمر لنا



ولو الدنيا وجمع المومنين والمومنات والمسلمين والمسلمات الأحبا منهم

والأموات وأبنا في الدنيا حسبه وفي الآخرة حسبه وما عداك

النار

وقتی قنوت تمام شد، رکوع و سجده نموده و می نشینی و تشهّد و سلام نماز را انجام می دهی و پس از آن که تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را گفتی، دو طرف صورتت را خاک آلود نموده و چهل بار بگو

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

سپس از خدای تعالی بخواه که تو را از ارتکاب گناه باز دارد، و از عذاب خود نجات دهد و ببخشد، و توفیق انجام کارهای نیک که موجب تقرب به خدا می شود و باعث جلب رضایت او می گردد و پذیرش آنها را عطا کند . آنگاه نزد سر مطهر بایست و دو رکعت نماز مانند نمازی که پیش از این گفتیم به جای آور و پس از نماز، خود را به روی قبر مطهر بینداز و آن را ببوس و بگو

وَاَللّٰهُ فِيْ سُرُوْبِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

آن گاه برای خودت، پدرت، مادرت، و هر کسی که می خواهی دعا کن. علامه مجلسی رحمه الله می فرماید : نویسنده کتاب «المزار الکبیر» می گوید : زیارت دیگری برای امام حسین علیه السلام در روز عاشورا هست که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداه به یکی از نواب خویش صادر شده : نزد قبر آن حضرت می ایستی و می گویی

السَّلَامُ عَلَيَّ اَكْرَمَ كَفْوَةٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

و زیارت را مانند آنچه نقل شد ادامه می دهد . بدین سان روشن می شود که این زیارت به راستی از حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت شده است. البتّه احتمال دارد که این زیارت به روز عاشورا اختصاص نداشته باشد ؛ چنان که سیّد مرتضی اعلی اللّٰه مقامه نیز همین اعتقاد را داشته است. آیۀ اللّٰه سیّد احمد مستنبط رحمه اللّٰه نیز می نویسد: روایت زیارت ناحیه مقدّسه دلالتی ندارد که خواندن آن ، به روز عاشورا اختصاص داشته باشد

## ترجمه

سلام بر آدم یارِ مخلص خدا از بین آفریدگانش ، درود بر شیث ولیّ خدا و بهترین بندگانش ، سلام بر ادریس که برای خدا حجتِ او را بپا داشت ، درود بر نوح که دعایش قرینِ اجابت بود ، سلام بر هود که کمک و یاریِ خدا مَدَدِ او بود ، درود بر صالح که خداوند تاج کرامت بر سرش نهاد ، سلام بر ابراهیم که خدا مقامِ خَلت و رفاقت رابه او عطا نمود ، درود بر اسماعیل که خداوند ذبحی عظیم از بهشت را فدای او نمود ، سلام بر اسحاق که خداوند پیامبری را در نسل او قرار داد ، درود بر یعقوب که خداوند به رحمت خود بینائی چشمش را به او بازگرداند ، سلام بر یوسف که خداوند به عظمتِ خود او را از قعر چاه رهائی بخشید ، درود بر موسی که خداوند به قدرتِ خود دریا را برایش شکافت ، سلام بر هارون که خداوند پیامبری خود را به وی اختصاص داد ، درود بر شعیب که خدا او را بر اُمّتش پیروز نمود ، سلام بر داوود که خداوند از لغزش او درگذشت ، درود بر سلیمان که بخاطر شوکتش جنّ به فرمان او درآمد ، سلام بر ایوب که خداوند او را از بیماریش شفا بخشید ، درود بر یونس که خداوند به وعده خود برایش وفا نمود ، سلام بر عزیز که خداوند او را پس از مرگش به حیات بازگردانید ، درود بر زکریّا که در رنج و بلا شکیب بود ، سلام بر یحیی که خداوند به سبب شهادت مقام و منزلتِ او را بالا برد ، درود بر عیسی روح خدا و کلمه او ، سلام بر محمّد محبوبِ خدا و یارِ مخلص او ، درود بر فرمانروای مؤمنان علی بن ابیطالب ، که برادریِ رسول خدا به وی اختصاص یافت ، سلام بر فاطمه زهراء دختر رسول اللّٰه ، درود بر حسن بن علی وصیّ و جانشین پدرش ، سلام بر حسین که جانش را تقدیم نمود ، سلام بر آن کسی که در نهان و آشکار خدا را اطاعت نمود ، سلام بر آن کسی که خداوند شفا را در خاکِ قبر او قرار داد ، سلام بر آن کسی که (محلّ) اجابتِ دعا در زیر بارگاه اوست ، سلام بر آن کسی که امامان از نسل اویند ، سلام بر فرزندِ خاتم پیامبران ، سلام بر فرزند سرور جانشینان ، سلام بر فرزند فاطمه زهراء ، سلام بر فرزند خدیجه کبری ، سلام بر فرزند سدره المتهی ، سلام بر فرزند جنّه المأوی ، سلام بر فرزند زمزم و صفا ، سلام بر آن آغشته به خون ، سلام بر آن که (حُرْمَت) خیمه گاهش دریده شد ،

سلام بر پنجمین اصحابِ کساء ، سلام بر غریبِ غریبان، سلام بر شهیدِ شهیدان ، سلام بر مقتولِ دشمنان ، سلام بر ساکنِ کربلاء ، سلام بر آن کسی که فرشتگانِ آسمان بر او گریستند ، سلام بر آن کسی که خاندانش پاک و مطهرند ، سلام بر پیشوای دین ، سلام بر آن جایگاه های براهین و حُجَجِ الهی ، درود بر آن پیشوایانِ سَرور ، سلام بر آن گریبان های چاک شده ، سلام بر آن لب های خشکیده ، سلام بر آن جان های مُستأصل و ناچار ، سلام بر آن ارواح (از کالبد) خارج شده ، سلام بر آن جسدهای عریان و برهنه ، سلام بر آن بدن های لاغر و نحیف ، سلام بر آن خون های جاری ، سلام بر آن اعضایِ قطعه قطعه شده ، سلام بر آن سرهایِ بالا رفته (بر نیزه ها) ، سلام بر آن بانوانِ بیرون آمده (از خیمه ها) ، سلام بر حجتِ پروردگارِ جهانیان، سلام بر تو ( ای حسین بن علی ) و بر پدرانِ پاک و طاهرت ، سلام بر تو و بر فرزندانِ شهیدت ، سلام بر تو و بر خاندانِ یاری دهنده ات (به دین الهی) ، سلام بر تو و بر فرشتگانِ مُلازمِ آرامگاهت ، سلام بر آن کشته مظلوم ، سلام بر برادرِ مسمومش ، سلام بر علی اکبر ، سلام بر آن شیر خوارِ کوچک ، سلام بر آن بدن های برهنه شده ، سلام بر آن خانواده ای که نزدیک ( و همراه سَرورشان ) بودند ، سلام بر آن به خاک افتادگان در بیابان ها ، سلام بر آن دور افتادگان از وطن ها ، سلام بر آن دفن شدگانِ بدون کفن ، سلام بر آن سرهای جدا شده از بدن ، سلام بر آن حسابگر (اعمالِ خویش برای خدا) و شکیبیا ، سلام بر آن مظلومِ بی یاور ، سلام بر آن جای گرفته در خاکِ پاک ، سلام بر صاحبِ آن بارگاهِ عالی رتبه ، سلام بر آن کسی که هربّ جلیل او را پاک و مطهر گردانید ، سلام بر آن کسی که جبرئیل به او مباحثات می نمود ، سلام بر آن کسی که میکائیل در گهواره با او تکلم می نمود ، سلام بر آن کسی که عهد و پیمانانش شکسته شد ، سلام بر آن کسی که پرده حُرمتش دریده شد ، سلام بر آن کسی که خورش به ظلم ریخته شد ، سلام بر آن که با خونِ زخم هایش شست و شو داده شد ، سلام بر آن که از جام های نیزه ها جرعه نوشید ، سلام بر آن مظلومی که خورش مباح گردید ، سلام بر آن که در ملأ عام سرش بریده شد ، سلام بر آن که اهل قریه ها دفنش نمودند ، سلام بر آن که شاه رگش بریده شد ، سلام بر آن مدافعِ بی یاور ، سلام بر آن مَحاسنِ بخون خضاب شده ، سلام بر آن گونه خاک آلوده ، سلام بر آن بدنِ برهنه ، سلام بر آن دندانِ چوب خورده ، سلام بر آن سرِ بالای نیزه رفته ، سلام بر آن بدن های برهنه و عریانی که در بیابان ها (یِ کربلاء) گُرگ های تجاوزگر

به آن دندان می آلودند، و درندگان خونخوار بر گرد آن می گشتند ، سلام بر تو ای مولای من و بر فرشتگانی که بر گرد بارگاه تو پر می کشند ، و اطراف تربتت اجتماع کرده اند ، و در آستان تو طواف می کنند ، و برای زیارت تو وارد می شوند ، سلام بر تو ، من به سوی تو رو آورده ام ، و به رستگاری در پیشگاه تو امید بسته ام ، سلام بر تو ، سلام آن کسی که به حرمت تو آشناست، و در ولایت و دوستی تو مخلص و بی ریا است ، و به سبب محبت و ولای تو ، به خدا تقرب جسته ، و از دشمنانت بیزار است ، سلام کسی که قلبش از مصیبت تو جریحه دار ، و اشکش به هنگام یاد تو جاری است ، سلام کسی که دردناک و غمگین و شیفته و فروتن است ، سلام کسی که اگر با تو در کربلاء می بود ، با جانش ( در برابر ) تیزی شمشیرها از تو محافظت می نمود ، و نیمه جانش را به خاطر تو بدست مرگ می سپرد ، و در رکاب تو جهاد می کرد ، و تو را بر علیه ستمکاران یاری داده ، جان و تن و مال و فرزندش را فدای تو می نمود ، و جانش فدای جان تو ، و خانواده اش سپر بلای اهل بیت تو می بود ، **اگر چه زمانه مرا به تأخیر انداخت** ، و مقدرات الهی مرا از یاری تو بازداشت ، و نبودم تا با آنان که با تو جنگیدند بجنگم ، و با کسانی که با تو اظهار دشمنی کردند خصومت نمایم ، ( **صبح و شام بر تو مویه میکنم** ) ، و به جای اشک برای تو خون گریه می کنم، از روی حسرت و تأسف و افسوس بر مصیبت هائی که بر تو وارد شد ، تا جائی که از فرط اندوه مصیبت ، و غم و غصه و شدت حزن جان سپارم ، گواهی می دهم که تو نماز را بپا داشتی ، و زکات دادی ، و امر به معروف کردی، و از منکر و عداوت نهی نمودی ، و اطاعت خدا کردی و نافرمانی وی ننمودی ، و به خدا و ریسمان او چنگ زدی تا وی را راضی نمودی ، و از وی در خوف و خشیت بوده نظاره گر او بودی ، و او را اجابت نمودی ، و سنت های نیکو بوجود آوردی ، و آتش های فتنه را خاموش نمودی ، و دعوت به هدایت و استقامت کردی ، و راه های صواب و حق را روشن و واضح گرداندی ، و در راه خدا بحق جهاد نمودی ، و فرمانبردار خداوند ، و پیرو جدت محمد بن عبدالله بودی ، و شنوای کلام پدرت علی بودی ، و پیشی گیرنده به ( انجام ) سفارش برادرت امام حسن بودی ، و رفعت دهنده پایه شرافت دین ، و خوار و سرکوب کننده طغیان ، و کوبنده سرکشان ، و خیرخواه و نصیحت گر امت بودی ، در هنگامی که در شداوند مرگ دست و پا می زدی ، و مبارزه کننده با فاسقان بودی ، و قیام کننده با حجج و براهین الهی ، و ترحم کننده بر اسلام و مسلمین بودی ، یاری گر حق بودی

، در هنگام بلاء شکیبا و صابر ، حافظ و مراقب دین ، و مدافع حریم آئین بودی ، ( طریق ) هدایت را حفظ نموده یاری می نمودی ، عدل و داد را گسترش داده و وسعت می بخشیدی ، دین و آئین الهی را یاری نموده آشکار می نمودی ، یاوه گویان را ( از ادامه راه ) بازداشته جلوگیری می کردی ، حق ضعیف را از قوی باز می ستاندی ، در قضاوت و داوری بین ضعیف و قوی برابر حکم می نمودی ، تو بهار سر سبز یتیمان بودی ، نگاهبان و حافظ مردم بودی ، مایه عزت و سرافراز اسلام ، معدن احکام الهی ، هم پیمان نیکی و احسان بودی ، پوینده طریقه جدّ و پدرت و در سفارشات و وصایا همسان برادرت بودی ، وفادار به پیمان ها ، دارای سجایای پسندیده ، و باجود و گرم آشکار بودی ، شب زنده دار ( بهعبادت ) در دل شبهای تاریک ، معتدل و میانه رو در روشها ، باسجایا و اخلاق کریمانه ، دارای سوابق با عظمت و ارزشمند ، دارای نسب شریف ، و حسب والا ، با درجات و رتبه های رفیع و عالی ، مناقب و فضائل بسیار ، سرشت ها و طبیعت های مورد ستایش ، و با عطایا و مواهب بزرگ بودی ، حلیم و صبور ، هدایت شده ، بازگشت کننده بسوی خدا ، با جود و سخاوت ، دانا ، توانا و قاطع ، پیشوای شهید ، بسیار نالان و گریان در پیشگاه خداوند ، محبوب و با هیبت بودی ، تو برای پیامبر که درود خدا بر او و آل او باد فرزند ، و برای قرآن پشتوانه [ نجات دهنده ] ، و برای امت اسلام بازوی توانا ، و در طاعت حق کوشا بودی ، تو حافظ عهد و پیمان الهی ، دوری کننده از طرق فاسقان بودی ، تو آن چه در توان داشتی ( برای اعلای کلمه حق ) بذل نمودی ، دارای رکوع و سجود طولانی بودی ، تو مانند کسی که از دنیا رخت برخواهد بست از آن روگردان بودی ، و مانند کسانی که از دنیا در وحشت و هراس بسر می برند به آن نگاه میکردی ، آرزوهایت از ( تعلق به ) دنیا باز داشته شده ، و همت و کوششت از زیور دنیا روگردانده بود ، دیدگانت از بهجت و سرور دنیا بر بسته ، و اشتیاق و میلّت به آخرت شهره آفاق است ، تا آن که جور و ستم دست تعدی دراز نمود ، و ظلم و سرکشی نقاب از چهره برکشید ، و ضلالت و گمراهی پیروان خویش را فرا خواند ، با آن که تو در حرم جدّت متوطن بودی ، و از ستمکاران فاصله گرفته بودی ، و ملازم منزل و محراب عبادت بوده ، و از لذتها و شهوات دنیوی کناره گیر بودی ، و بر حسب طاقت و توانت منکر را با قلب و زبانت انکار می نمودی ، پس از آن علم و دانشت اقتضای انکار آشکار نمود ، و بر تو لازم گشت [ لازم نمود ] با بدکاران رویاروی جهاد کنی ، ... بنابراین در میان فرزندان و خانواده

ات ، و پیروان و دوستانت روانه شدی ، و حق و برهان را آشکار نمودی ، و با حکمت و پند و اندرز نیکو (مردم را) بسوی خدا فرا خواندی ، و به برپاداری حدود الهی ، و طاعتِ معبود امر نمودی ، و از پلیدی ها و سرکشی نهی فرمودی ، ولی آنها به ستم و دشمنی رویاروی تو قرار گرفتند ، پس تو نیز با آنان به جهاد برخاستی پس از آن که ( حق را ) به آنان گوشزد نمودی / آن ها را به عذاب الهی تهدید نمودی و حجت را بر آن ها مؤکد فرمودی ، ولی عهد و پیمان و بیعت تو را شکستند ، و پروردگارت و جدت را بخشم آوردند و با تو ستیز آغازیدند ، پس تو ، به جهت زد و خورد و پیکار استوار شدی ، و لشکریان فاجر را خورد و آسیا نمودی ، و درگرد و غبار نبرد فرو رفتی ، و چنان با ذوالفقار جنگیدی ، که گویا علی مرتضی هستی ، پس چون تو را با قلبی مطمئن ، بدون ترس و هراس یافتند ، شرور مکر و حيله شان را بر تو بر افراشتند و از در نیرنگ و فساد با تو قتال نمودند ، و آن ملعون لشکریانش را فرمان داد ، تا تو را از آب و استفاده آن منع نمودند ، و با تو قتال نمودند ، و به جنگ و مبارزه با تو شتافتند ، و تیرها و خدنگ ها بسوی تو پرتاب نمودند ، و برای استیصال و ناچار نمودن تو دست دراز کردند ، و حرمتی برای تو مراعات نکردند ، و از هیچ گناهی در مورد تو خودداری ننمودند ، چه در کشتن آن ها دوستانت را ، و چه در غارت اثاثیه خیمه هایت ، (باری) تو در گرد و غبار های جنگ پیش تاختی ، و آزار و اذیت های فراوانی تحمل نمودی ، آن چنان که فرشتگان آسمان ها از صبر و شکیبائی تو ، به شگفت آمدند ، پس دشمنان از همه طرف به تو هجوم آوردند ، و تو را به سبب زخم ها و جراحت ها ناتوان نمودند ، و راه خلاص و رفتن بر تو بستند ، تا آن که هیچ یآوری برایت نماند ، ولی تو حسابگر (عمل خویش برای خدا) و صبور بودی ، از زنان و فرزندان دفاع و حمایت می نمودی ، تا آن که تو را از اسب سواری ات سرنگون نمودند ، پس با بدن مجروح بر زمین سقوط کردی ، در حالی که اسب ها تو را با سُم های خویش کوبیدند ، و سرکشان با شمشیرهای تیزشان بر فرازت شدند ، پیشانی تو به عرق مرگ مرطوب شد ، و دستان چپ و راستت به باز و بسته شدن در حرکت بود ، پس گوشه نظری به جانب خیام و حرمت گرداندی ، در حالی که از زنان و فرزندان ( روگردانده ) به خویش مشغول بودی ، اسب سواری ات با حال نفرت شتافت ، شیعه کشان و گریان ، بجانب خیمه ها رو نمود ، پس چون بانوان حرم اسب تیز پای تو را خوار و زبون بدیدند ، و زین تو را بر او واژگونه یافتند ، از پس پرده



ها (یخیمه) خارج شدند ، درحالی که گیسوان بر گونه ها پراکنده نمودند ، بر صورت ها طپانچه می زدند و نقاب از چهره ها افکنده بودند ، و بصدای بلند شیون می زدند ، و از اوج عزّت به حُضیض ذلّت در افتاده بودند ، و به سوی قتلگاه تو می شتافتند ، در همان حال شمر ملعون بر سینه مبارکت نشست ، و شمشیر خویش را بر گلویت سیراب مینمود ، با دستی محاسن شریفیت را در مُشت می فشرد ، ( و با دست دیگر ) با تیغ آخته اش سر از بدنت جدا می کرد ، تمام اعضا و حواسّت از حرکت ایستاد ، نفس های مبارکت در سینه پنهان شد ، و سر مقدّست بر نیزه بالا رفت ، اهل و عیالت چون بردگان به اسیری رفتند ، و در غلّ و زنجیر آهنین بر فراز جهاز شتران دربند شدند ، گرمای (آفتاب) نیمروز چهره هاشان می سوزاند ، در صحراها و بیابان ها کشیده می شدند ، دستانشان به گردن ها زنجیر شده ، در میان بازارها گردانده می شدند ، ای وای بر این سرکشان گناهکار ! چه این که با کُشتن تو اسلام را کُشتند ، و نماز و روزه (خدا) را بدون یاور رها نمودند ، و سنّت ها و احکام (دین) را از بین برده شکستند ، و پایه های ایمان را منهدم نمودند ، و آیات قرآن را تحریف کرده ، در (وادی) جنایت و عداوت پیش تاختند ، براستی رسول خدا « که درود خدا بر او و آل او باد » ( با شهادت تو ) تنها ماند ! (یا مظلوم واقع شد) ، و کتاب خداوند عزّ و جلّ متروک گردید ، و آن گاه که تو مقهور و مغلوب گشتی ، حقّ و حقیقت مورد خیانت واقع شد ، و به فقدان تو تکبیر خدا و کلمه توحید ، حرام و حلال دین ، و تنزیل و تأویل قرآن جملگی از بین رفت ، و پس از تو تغییر و تبدیل (احکام) ، کفر و الحاد و بی سرپرستی دین ، هوی و هوس ها و گمراهی ها ، فتنه ها و باطل ها جملگی (بر صفحه روزگار) ظاهر شد ، پس پیک مرگ نزد قبر جدّت رسول خدا « که رحمت بی پایان خداوندی بر او و آل او باد » ایستاد ، و با اشک ریزان خبر مرگ تو را به وی داد ، و این گونه گفت که : ای رسول خدا ؛ دختر زاده جوانمردت شهید شد ، خاندان و حریمت مُباح گردید ، پس از تو فرزندان به اسیری رفتند ، و وقایع ناگواری به عترت و خانواده ات وارد شد ، پس ( از شنیدن این خبر ) رسول خدا مضطرب و پریشان گردید ، و قلب هراسناکش بگریست ، و فرشتگان و انبیاء (بخاطر مصیبت تو) او را تسلیت و تعزیت گفتند ، و مادرت زهراء ( از اندوه مصیبت تو ) دردناک شد ، و دسته های ملائکه مقربین در آمد و شد بودند ، پدرت امیرمؤمنان را تعزیت می گفتند ، مجالس ماتم و سوگواری برای تو در اعلا علیین برپا شد ، و حورالعین به جهت تو

به سر و صورت زدند، (در عزای تو) آسمان و ساکنانش، بهشت ها و نگهبانانش، کوه ها و کوهپایه ها، دریا ها و ماهیانش، /شهر مکه و پایه هایش]، فردوس ها و جوانانش، خانه کعبه و مقام ابراهیم، و مشعر الحرام، و حلّ و حرّم، جملگی گریستند، بار خدایا؛ به حرمت این مکان رفیع، بر محمّد و آل او رحمت فرست، و مرا در زمره آنان محشور فرما، و به شفاعت و وساطت آن ها مرا داخل بهشت گردان، بار خدایا؛ من به تو توسّل می جویم، ای سریع ترین حسابگران، و ای بخشنده ترین گریمان، و ای فرمانروای حاکمان، به (حقّ) محمّد آخرین پیامبران، و فرستاده تو بسوی تمام جهان ها، و به (حقّ) برادرش و پسرعمویش آن بلندپیشانی میان پُر، آن دانشمند عالی مرتبه، یعنی علیّ فرمانروای مؤمنان، و به (حقّ) فاطمه سرور بانوان جهانیان، و به (حقّ) حسن مجتبی که پاک و مبرا و پناهگاه متّقین است، و به (حقّ) (أبی عبدالله الحسین گرامی ترین شهداء، و به (حقّ) فرزندان مقتولش، و خانواده مظلومش، و به (حقّ) علی بن الحسین زیور عابدان، و به محمّد بن علی قبله توبه کنندگان، و جعفر بن محمّد راستگوترین صادقان، و موسی بن جعفر آشکار کننده دلائل و براهین، و علی بن موسی یاور دین، و محمّد بن علی اُسوه و الگوی هدایت شوندگان، و علی بن محمّد زاهدترین پارسایان، و حسن بن علی وارث جانشینان، و حُجّت خدا بر تمام آفریدگان، این که درود فرستی بر محمّد و آل او، آن راستگویان نیکوکار، همان آل طه و یس، و این که مرا در قیامت از کسانی قرار دهی که (از عذاب تو) ایمن و با آرامش خاطر و رستگار و مسرور و بشارت یافته اند، بار خدایا؛ (نام مرا در زمره مسلمین نگاشته، و مرا به صالحین ملحق فرما، و نام مرا بر زبان اُمّت های آتیه نیکو قرار ده، و مرا بر علیه ظالمین یاری ده، و از مکر حسودان حفظ فرما، و (نیز) حيله حيله گران را از من برگردان، و دست ستمکاران را از من (دور) نگهدار، و بین من و آن سروران با میمنت در اعلا علیین جمع بفرما، همراه با کسانی که بر آن ها انعام فرمودی یعنی پیامبران، و راستگویان در عمل و گفتار، و شهداء و نیکویان، به رحمتت ای مهربانترین مهربانان، بار خدایا؛ تو را سوگند می دهم به حقّ پیامبر معصومت، و به حقّ حکم حتمی و قطعی ات، و به حقّ نهیپ نهانی ات، و بحقّ این آرامگاهی که (مردم از هر طرف به جهت زیارت) بر او گرد می آیند، و این امام معصوم مقتول مظلوم در جانب آن تکیه زده، این که غم و غصّه ها را از من برطرف فرمائی، و شرور قضا و قدر حتمی را از من برگردانی، و مرا

از آتش (عذابت) که دارای بادهای سوزان است پناه دهی (و نگاهداری) ، بارخدایا ؛ مرا بانعمت خود بپوشان (یا بزرگ گردان) ، و به عطایای خود راضی و خوشحال فرما ، و به جود و کرمّت مرا بپوشان ، و از مکر و انتقام خود دورم ساز ، بارخدایا ؛ مرا از لغزش و خطا حفظ فرما ، و در گفتار و کردار به راه صحیح هدایت فرما ، و در مدّت زندگی ام وسعت ده ، و مرا از درد ها و بیماری ها عافیت بخش ، و مرا به موالی و سرورانم برسان و به فضل ( و کرم ) خویش مرا به بالاترین آرزوها نائل فرما ، بارخدایا ؛ بر محمّد و آل او رحمت فرست و توبه مرا قبول فرما ، و بر اشک چشمم ترحم نما ، و لغزش مرا چشم پوشی فرما ، و حزن و اندوه مرا زائل کن ، و گناهم را بر من ببخشای ، و خاندان و نسل مرا برایم اصلاح فرما ، بار خدایا ؛ در این مشهدِ والامقام و در این محلّ گرامی ، برایم وامگذار گناهی را مگر آن که ببخشی ، و نه عیبی را مگر آن که مستور نمائی، و نه غم و غصّه ای را مگر برطرف فرمائی ، و نه رزقی را مگر گسترش دهی ، و نه قدر و منزلتی را مگر باقی بداری ، و نه فسادی را مگر اصلاح فرمائی ، و نه آرزویی را مگر نائل کنی ، و نه دعائی را مگر اجابت فرمائی ، و نه تنگنائی را مگر بگشائی ، و نه امور مُتشتتی را مگر جمع و برقرار نمائی ، و نه امری را مگر تمام فرمائی ، و نه مالی را مگر فراوانی بخشی ، و نه خُلق و صفتی را مگر نیکو گردانی ، و نه انفاقی را مگر جایگزین فرمائی ، و نه حالی را مگر آباد فرمائی ، و نه حسودی را مگر ذلیل نمائی ، و نه دشمنی را مگر هلاک گردانی ، و نه شری را مگر منع فرمائی ، و نه بیماری را مگر شفا بخشی ، و نه ( امر ) دوری را مگر نزدیک فرمائی ( و در دسترسم قرار دهی ) ، و نه تفرّق و اختلالی را مگر جمع ( و اصلاح ) نمائی ، و نه خواهشی [خواسته ای] را مگر عطا فرمائی ، بار خدایا ؛ من از تو درخواست می کنم خیر دنیا و ثوابِ آخرت را ، بار خدایا ؛ مرا به سبب حلالیت از حرام مستغنی کن ، و به فضل و احسانت از جمیع خلق بی نیاز فرما، بار خدایا ؛ از تو درخواست میکنم دانشی مفید ، قلبی خاشع ، یقینی سلامت بخش ، عملی صالح و پاک ، صبری زیبا ، و اجری عظیم را ، بارالها ؛ شکر نعمتت بر من را روزیّم کن ، و احسان و کرمّت بر من زیاد فرما ، و گفته مرا در میان مردم شنوده نما ، و عمل مرا به نزد خویش بالا بر ، و سنت باقیمانده مرا در امور خیر مورد پیروی قرار ده ، و دشمنم را خوار و ذلیل گردان ، بارخدایا ؛ بر محمّد و آل او که نیکناند ، در تمامی لحظات شبانه روز رحمت فرست، و مرا از شرّ بدان محفوظ بدار ، و از (کثافات) گناهان و سنگینی وزر و وبال پاک و مبرا گردان ، و

از آتش (عذابت) پناهم ده ، و در سرای جاوید وارد فرما ، و (گناهان) مرا و تمامی خواهران و برادران مؤمن مرا ببخشای ، به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

پس از تمام شدن زیارت ، رو به قبله کن و دو رکعت نماز بجای آور ، به این ترتیب که در رکعت اول بعد از حمد سوره انبیاء ، و در رکعت دوم بعد از حمد سوره حشر را بخوان و آنگاه در قنوت نماز بگو:

هیچ معبودی جز خداوند شکیب و کریم نیست ، هیچ خدائی جز خداوند بزرگوار و عظیم نیست ، هیچ معبودی نیست جز خداوندی که پروردگار آسمان ها و زمین های هفتگانه و موجوداتی که در آن ها و میان آن هاست می باشد ، (به این توحید معتقدم) برخلاف دشمنان حق ، و به جهت تکذیب کسانی که به خداوند شرک ورزیدند ، و (به این توحید معتقدم) بخاطر اعتراف نمودن به ربوبیت او ، و خضوع و خشوع در مقابل عزت و شرافت وی ، (اوست خدائی که) اوّل است بدون اوّل ، و آخر است تا بی نهایت ، به قدرتش بر تمام اشیا غلبه نموده ، و به دانش و لطف و مرحمتش در هر چیز نفوذ کرده ، عقول بشری بر حقیقت بزرگی او مطلع نخواهد شد ، و اوهام و خیالات کنه ذات او را درک نمی کند ، و معانی کیفیت او را هیچ ذهنی تصوّر نمی تواند کرد ، (اوست) مطلع و آگاه بر باطن اشخاص ، و آشنا به تمام امور پنهان ، خیانت چشم ها و پنهانی دل ها را خبر دارد، بارخدا یا ؛ تو را گواه می گیرم که رسالت «صلی اللّٰه علیه و آله» را تصدیق می کنم و به او ایمان دارم ، و آگاه به قدر و منزلت اویم ، و براستی شهادت می دهم که اوست پیامبری که حکمت به فضیلت و برتری او سخن راند ، و تمامی پیامبران (گذشته) بشارت (آمدن) او را دادند ، و (مردم را) به گرویدن به دین او دعوت نمودند، و برتصدیق او برانگیختند، چنانچه خودت در قرآن می فرمائی: « ( او پیامبری است) که نام وی را در تورات و انجیل خودشان نگاشته می یابند ، او آن ها را به نیکوئی امر می کند و از زشتی نهی می فرماید ، نعمت های پاک و طیب را برای شان حلال و خبائث و پلیدی ها را بر آن ها حرام و ممنوع می گرداند ، و سنگینی و مشقت هائی که در ادیان سابق چون زنجیر برگردن آن ها بود همه را برمی دارد » ، پس درود فرست بر محمد فرستاده ات به سوی جنّ و انس ، و سرور پیامبران

برگزیده ، و بر برادرش و پسر عمویش، آنانی که هیچگاه به قدر چشم بر هم زدنی به تو شرک نوزیدند ، و بر فاطمه زهراء سرور تمامی زنان جهانیان ، و بر دو آقای جوانان اهل بهشت ، حسن و حسین، درودی جاویدان و همیشگی ، بعدد قطرات باران ها، و همگون کوه ها و تپه ها ، تا آن زمان که درخت « سلام » برگ می دهد ، و روشنی و تاریکی شبانه روز در رفت و آمدند ، و برخاندان طاهر حسین ، آن پیشوایان هدایت یافته ، آن ها که از حریم دین و آئین دفاع نمودند ، علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حضرت حجت ، آن که عدل و داد را بر پا می دارد و فرزند دختر زاده پیامبر است ، بار خدایا ؛ از تو درخواست می کنم بحق این امام بزرگوار ، گشایشی نزدیک را ، و صبری نیکو را ، و پیروزی ای توأم با عزت را ، و بی نیازی از خلائق را ، و دوام و استمرار در طریق هدایت را ، و توفیق را بر آن چه تو دوست داری و رضایت تو در آن است ، و روزی ای را که وسیع و حلال و پاک ، و گوارا و ریزان و خوشگوار ، فراوان و برتر و پی در پی باشد ، بدون هیچ زحمت و مشقتی، و خالی از هرگونه متنی از احدی ، و (نیز درخواست می کنم) تندرستی از هر بلاء و ناخوشی و بیماری را ، و شکرگزاری بر هر عافیت و نعمتی را ، و هنگامی که مرگ ما فرا رسد بر نیکو ترین حال طاعت ما را قبض روح فرمائی ، و در حالتی که نگاهبان دستورات تو باشیم ، تا آن که ما را به بهشت های پرنعمت برسانی ، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان ، بار خدایا ؛ بر محمد و آل او رحمت فرست ، و مرا از دنیا در وحشت و هراس قرار ده و به آخرت انیس فرما ، چرا که فقط خوف تو از دنیا وحشت زا است، و فقط امید و دلبندی بتو به آخرت انس بخش است ، بار الها ؛ حجت و دلیل با تو است نه بر علیه تو ، و شکایت و گلایه باید به سوی تو باشد نه از تو ، پس بر محمد و آل او درود فرست و مرا بر علیه نفس ستمکار و سرکش خویش ، و بر شهوت غالب خودم یاری فرما ، و پایان کارم را با عافیت قرار ده، بار خدایا ؛ این کم حیائی من است که (از طرفی) در خانه تو استغفار می کنم و (از طرف دیگر) بر مناهی تو پا فشاری می ورزم ، چنانچه اگر استغفار نکنم با این که وسعت حلم تو را آگاهم ، این تباه نمودن حق امیدواری است ، بار الها ؛ (کثرت) گناهانم مرا از امیدواری به تو مأیوس می کند، و آگاهیم به وسعت رحمت تو مرا از ترس و هراس از تو باز می دارد، پس بر محمد و آلش رحمت فرما ، و امید و دلبندیم را بخودت پا بر جا نما ، و ترس و وحشت مرا از خودت تکذیب فرما ، و برای من آن چنان باش که به تو حسن ظن

دارم ، ای بخشنده ترین کریمان ، بارخدا یا ؛ بر محمّد و آل او درود فرست و مرا به حفظ ( از گناه ) مؤیّد فرما ، و زبانم را به حکمت گویا فرما ، و مرا از کسانی قرار ده که بر تباهی های گذشته خویش نادیم و پشیمانند ، و بهره خویش را اکنون ناقص و ضایع نکنند ، و اهتمام بر روزی فردای خود ننمایند ، بارالها ؛ غنی آن کسی است که به سبب تو بی نیازی جوید و به سوی تو محتاج باشد ، و فقیر و درمانده کسی است که از تو ( رو گردان شده ) به جانب مخلوق بی نیازی طلبد ، پس رحمت نما بر محمّد و آل او ، و مرا از خلق خودت به سبب خودت بی نیاز فرما ، و مرا چنان قرار ده که هیچگاه دستی جز بسوی تو دراز نکنم ، بارالها ؛ بدبخت کسی است که با این که توبه و بازگشت فرا راه او و رحمت تو پشتیبان اوست نا امید شود ، اگرچه عمل من ضعیف و سست است لکن امید رحمت تو در من قوی است ، پس ضعف عمل مرا در قبال قوت امیدم ، بر من ببخشای ، بارخدا یا ؛ اگر تو چنان دانی که در میان بندگانت از من سنگدل تر و پرگناه تر نیست ، ( در عوض ) من هم به یقین می دانم که هیچ مولا و سرپرستی فضل و عطایش از تو بیشتر نیست ، و رحمت و عفو از تو وسیع تر نیست ، پس ای کسی که در رحمت و مهربانی یگانه ای ، ببخشای کسی را که در جرم و گناهش تنها و یگانه نیست ، بار خدا یا ؛ تو ما را امر فرمودی و ما سرپیچی نمودیم ، و ما را باز داشتی ولی ما دست بر نداشتیم ، ما را یاد آوری فرمودی ولی ما خود را به فراموشی زدیم ، ما را بینا فرمودی و ما خود را به کوری زدیم ، تو ما را تهدید نمودی ولی ما از حد گذرانیم ، ( آری ! ) این در مقابل احسان تو بر ما پاداش نیکویی نبود ، لیک تو به آنچه ما آشکار و پنهان نمودیم داناتری ، و به اعمالی که بجا آورده و می آوریم آگاه تری ، پس رحمت فرما بر محمّد و آلش و ما را بر خطاها و فراموشی ها مان مؤاخذه نفرما ، و حقوق تو را ( که ضایع نمودیم ) بر ما ببخشا ، و احسان و گرم خویش بر ما تمام فرما ، و پرده رحمتت بر ما افکن ، بار خدا یا ؛ ما به تو توسّل می جوئیم به سبب این امام راستگو ، و از تو درخواست می کنیم به آن حق و حرمتی که برای او و جدّ او رسول خودت و برای پدر و مادر او علی و فاطمه که اهل بیت رحمتند قرار دادی ، این که روزی خودت را که قوام زندگی ما به آن وابسته است ، و نظام احوال عیال ما در گرو آن است ، بر ما پیایی فرو ریزی ، چرا که تویی آن کریمی که از خزانه وسیعت عطا می کنی ، و با قدرت و توان خویش ( آن که را بخواهی ) محروم می کنی ، و ما از تو رزقی را خواهانیم که برای دنیای ما موجب صلاح ، و برای آخرت ما رسا

، و مایه کفاف باشد، بار خدایا ؛ بر محمد و آلش رحمت فرست ، و ببخشای ما و والدین ما را ، و جمیع مؤمنین و مؤمنات را ، و تمام مسلمین و مسلمات را ، چه آنان که در قید حیات اند و چه آن ها که درگذشته اند ، و در دنیا و آخرت به ما حسنه عطا فرما و ما را از عذاب آتش (دوزخ) حفظ فرما.

پس از تمام شدن قنوت ، رکوع و سجود و تشهد و سلام نماز را انجام ده ، پس چون تسبیح حضرت فاطمه زهراء (س) را خواندی ، دو طرف صورت را بر خاک بگذار و چهل مرتبه این تسبیحات را بگو :

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لاِ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ.

خداوند را تسبیح و تمجید می نمایم ، و تمامی ستایش ها برای خدا است ، و هیچ معبودی جز الله نیست ، و خداوند از همه موجودات بزرگ تر است ( بزرگتر از آن که توصیف شود). پس از تمام شدن تسبیحات ، دعا کن و از خدا بخواه که تو را از گناهان نگهدارد و از عذاب خود نجات دهد و ببخشد و توفیق عمل نیک کرامت فرماید و اعمال تو را قبول نماید . سپس ( اگر در حرم مطهر هستی ) خود را به ضریح بچسبان و ببوس و بگو :

زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

خداوند در عزّت و شرفِ شما (اهل بیت) بیفزاید ، و درود و رحمت و برکاتِ خداوند بر شما باد  
سپس برای خود و والدین خود و هرکس که خواهی دعا کن.